



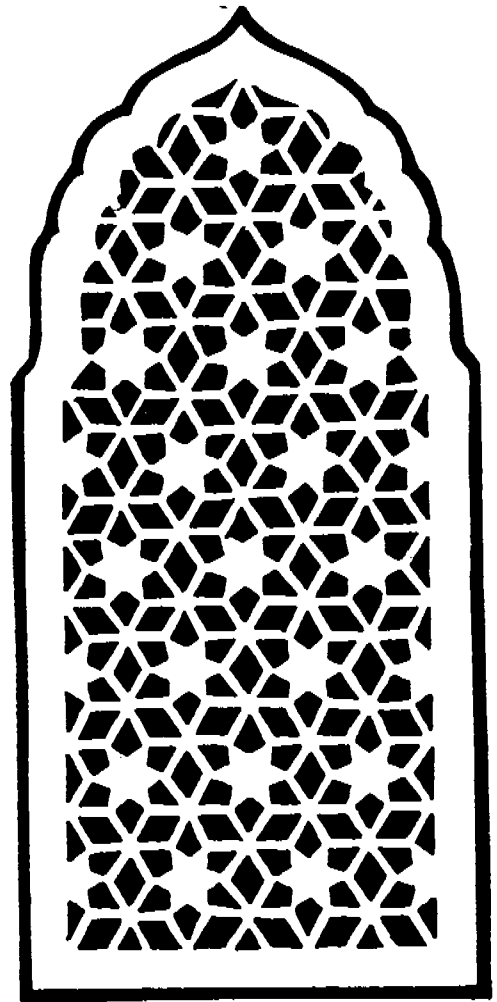
میراث اسلامی در گذشته و حال

ضیاءالدین سردار
علی اصغر شیری

هنگامی که مفاهیم بنیادی جهان‌بینی اسلامی در تمامی جزئیات و سطوح مختلف جامعه و تمدن متبلور می‌شود، از این فرآیند زیرساختی منسجم جهت انتقال دانش نمود می‌یابد. حداقل پنج مفهوم اسلامی نسبت مستقیم با توزیع اطلاعات دارد: عدل، علم، عبادت، خلافت، و وقف. بررسی تاریخ بدو اسلام چگونگی تشکیل چارچوب عملی این پنج مفهوم و نیز ایجاد زیرساختی پیشرفته جهت توزیع اطلاعات و دانش را آشکار می‌سازد.

از آغاز ظهور اسلام، مفهوم عام علم، طرز تفکر مسلمانان را شکل داد و برطبق این تعریف که: مسلمان کسی است که در تولید، بهره‌برداری، آماده‌سازی و اشاعه دانش و اطلاعات کاملاً ثابت قدم باشد، اسلام عملاً دانش‌طلبی را فریضه‌ای مذهبی قرار داد. علاوه بر این مفهوم علم، مفهومی انحصاری و خاص طبقه‌ای نخبه نیست. علم، دانش انتقال‌پذیر است و منحصر به فرد، طبقه، گروه و یا جنس خاصی نیست. همچنین دانش‌طلبی تنها وظیفه معدودی افراد نیست، بلکه وظیفه تمامی جامعه است و محدود به حوزه یا رشته خاصی از تحقیق نیست بلکه کلیه ابعاد آگاهی انسان و طیف کامل پدیده‌های طبیعی را شامل می‌شود. درحقیقت اسلام با این مضمون که اهمیت دانش‌طلبی به اندازه عدالت‌خواهی است، علم را مساوی عدل قرار داد. همچنانکه عدل اساساً عدالت‌گستری همه‌جانبه است، علم نیز دانش انتقال‌پذیر است. و عملاً یکی وسیله نیل به دیگری است. نیل به هدف مطلوب جهان‌بینی اسلام یعنی تشکیل جامعه‌ای درستکار و دادگستر، بدون دانش گستر میسر نمی‌شود. تنها زمانی که دانش به صورت گسترده و به سهولت در دسترس تمامی بخشهای جامعه قرار گیرد، پایه‌گذاری عدالت در قالب مظاهر اسلامی امکان‌پذیر است.

نخستین جوامع اسلامی به خوبی از این پیوستگی عدل و علم آگاه بودند. جهت شروع این راه، اشاعه قرآن کریم و احادیث پیامبر(ص) در میان پیروان را وجهه همت خود قرار دادند. تنها وقتی پیروان پیامبر(ص) به نسخه‌های قرآن کریم و مجموعه‌های معتبر حدیث در دسترس داشتند از آنها انتظار می‌رفت تا مطابق تعالیم ارائه‌شده رفتار کنند. اولین گامها در این راستا توسط عثمان خلیفه سوم برداشته شد. او آگاه بود که ماهیت حفظ کامل قرآن کریم و نیز ضبط آن در قلوب و افکار پیروان پیامبر(ص) در حقیقت مظهري از مفهوم جوامع و فراگیر علم است و چون قرآن کریم به سادگی قابل حفظ کردن بود، مضامین آن نیز به همان آسانی قابل اشاعه و



انتشار بود. با وجود این، عثمان حفظ قرآن کریم را به شکل مکتوب به جهت تنوع لهجه‌ها ضروری دانست. بدین ترتیب گام‌های مهمی در راستای حفاظت از متن مکتوب قرآن کریم برداشت. گام بعدی توسط گردآورندگان احادیث برداشته شد که روش پیشرفته‌ای را برای معتبر کردن احادیث ابداع کردند و آنها را به طور گسترده برای تمامی بخش‌های جامعه قابل استفاده ساختند.

طی اولین قرن ظهور اسلام متن‌های شفاهی تفوق یافت و وسیله اصلی اشاعه اطلاعات گردید. اما بزودی آشکار شد که حافظه انسان نمی‌تواند کاملاً مورد اعتماد قرار گیرد؛ و یادداشتهای مکتوب در میان جویندگان علم رایج شد. در این زمینه سعد بن جبیر (متوفی ۹۶ هجری / ۷۱۳ میلادی)^۲ می‌گوید: در کلاس درس ابن عباس من بر روی برگه‌ای می‌نوشتم وقتی برگه پر می‌شد بر چرم روی کفشم می‌نوشتم و بعد بر روی دستم، و پدرم به من می‌گفت: «علم را به حافظه ات بسیار اما علاوه بر این به نوشتن نیز توجه خاص داشته باش، وقتی که از کلاس درس به خانه باز می‌گردی مطالب را بنویس و اگر تو را نیاز افتاد و یا حافظه ات تو را یاری نکرد آن‌گاه نوشته‌هایت را داری».

ابن جبیر واقعاً بر روی چه چیزی یادداشت می‌کرد؟ اوراق او احتمالاً پاپیروس، از ساقه گیاهی به همین نام و یا پارشمن بود که از پوست بز ساخته می‌شد. یادداشت‌هایی که بدان شکل جمع‌آوری می‌شد به سهولت در میان دانشجویان و محققان رد و بدل می‌شد. در واقع، در اکثر موارد این چنین یادداشت‌هایی به هم می‌پیوست و کتابها را تشکیل می‌داد. شواهدی از ابن اسحاق، واقدی، ابن سعد، بلاذری، طبری و بخاری حاکی از آن است که عروه بن زبیر (متوفی ۵-۹۴ هجری / ۱۳-۷۱۲ میلادی) نخستین کسی بود که به جمع‌آوری این چنین دسته‌برگ‌هایی به شکل کتاب اقدام کرد. شاگرد او زهری (متوفی ۷۴۲ میلادی / ۱۲۵ قمری) آن‌قدر از این گونه کتب گردآورده بود که خانه‌اش دیگر جایی برای سایر چیزها نداشت. شیفتگی او نسبت به جمع‌آوری و مطالعه کتب بیشتر وقتش را می‌گرفت تا آنجا که همسرش از او شکوه می‌کرد: «وای خدای من! این کتابهای تو مرا بیش از سه زن دیگر (اگر می‌داشتی) آزار می‌دهد». خانم روت استلهورن مکنسن^۳ که در اوایل دهه چهل میلادی بررسی مهمی را در زمینه ظهور کتابخانه‌های اسلامی انجام داده، مجموعه زهری را به عنوان اولین کتابخانه اسلامی مورد توجه قرار می‌دهد. او اشاره می‌کند: با آنکه کتابهای اولیه فقط مجموعه‌ای از یادداشتهای دانشجویان و رساله‌های کوچک به شکل نامه یا کتابهای شکیل‌تر بود — که فقط معدودی از آنها باقی مانده — با جمع‌آوری آنها و شناخت این که این چنین موادی دارای ارزش نگهداری هستند، منطقی می‌توان آنها را به عنوان نقطه شروع تأسیس کتابخانه‌های اسلامی به شمار آورد.

ولی حتی در آن دوره هم، کتاب به عنوان سند منسجم ضبط اندیشه‌ها رواج یافته بود. از این رو از دانشمندان بنام درخواست می‌شد تا به تألیف کتاب پردازند و به واسطه تشویق شاگردانشان — که می‌خواستند یادداشت‌های کلاس به صورت منسجمی درآید — اقدام به این امر می‌کردند. از آماش ابومحمد سلیمان بن مهران (۶۸۰-۷۶۵ میلادی / ۶۱-۱۴۸ قمری) محدث خودرایی و شوخ طبع معروف، مکرر درخواست تألیف کتاب می‌شد. همه فرمانهایی که او دریافت می‌داشت توجهش را جلب نمی‌کرد. زمانی که خلیفه هشام بن عبدالله به او نوشت و از او خواست که کتابی درباره فضایل عثمان و قصور حضرت علی (ع) بنویسد، آماش نامه را خواند و سپس آن را در دهان گوسفندی فرو کرد تا آن را ببلعد و به پیک گفت: «به او بگو من نامه را این گونه جواب می‌دهم». وقتی شاگردانش یک روز صبح زود به خانه او آمدند و اصرار کردند تا آماش به آنها مطالبی چند در باب حدیث بیاموزد عاقبت بیرون آمد و پس از سلام به آنها گفت: اگر کسی که من بیش از شما از او متنفرم (منظور همسرش بود) در خانه نبود به بیرون خانه نزد شما نمی‌آمدم.

زمانی که آماش از دنیا رفت، کتاب وسیله‌ای رایج جهت اشاعه دانش و اطلاعات گردید و به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت، این تحول عمدتاً به دلیل ظهور کاغذ بود. مسلمانان هنر کاغذسازی را از چینیان آموختند. در قرن اول هجری / نیمه دوم قرن هفتم میلادی که مسلمانان با چینیان تماس پیدا کردند — نتیجه صریح گفته حضرت محمد (ص) که «به دنبال دانش برو حتی اگر در چین باشد» — این بود که مسلمانان به سرعت نقش کاغذ را در اشاعه دانش دریافتند. سمرقند اولین شهر مسلمان بود که صنعت کاغذسازی در آن تأسیس شد. در سال ۷۰۴ میلادی / ۸۵ قمری این صنعت در اختیار مسلمین قرار گرفت. ثعالبی در کتاب لطائف المعارف خود و قزوینی در کتاب آثار الیادش می‌گویند که صنعت کاغذسازی سمرقند توسط اسیران جنگی چینی پایه گذاری شد. این صنعت بزودی از آنجا به استانهای مرکزی و شهرهای بزرگ فرمانروایی اسلامی گسترش یافت: سمرقند در تأسیس صنعت کاغذسازی بغداد نقش بسزایی داشت. این صنعت از آنجا به دمشق، قاهره، فاس و قرطبه گسترش پیدا کرد. در طول چند دهه کاغذ جای پاپیروس و پارشمن را گرفت و به صورت رسانه‌ای مهم برای اشاعه اطلاعات مکتوب درآمد و عملاً این صنعت به قدری پیشرفت کرد که تا پایان سده هفتم میلادی کاغذ جای پارشمن را در اسناد دولتی گرفت.

در راستای صنعت کاغذسازی، صنایع دیگر که با تولید کتاب در ارتباط بود نیز به سرعت ترقی کرد. در این دوره تهیه جوهر در رنگهای مختلف و تکنولوژی ابزار تحریر و نقاشی و تزیین به میزان قابل ملاحظه‌ای پیشرفت کرد. صحافی کتاب نیز به درجه قابل

کتابها در تمامی تحقیقات سودمند علمی مورد نیازند. بنابراین دانشجو باید به هر نحو ممکن به فراهم آوری و نگهداری آنها همت گمارد. او باید به خرید، اجاره و امانت گرفتن آنها همت ورزد چرا که روش به دست آوردن کتابها این گونه است. لکن فراهم آوری، گردآوری و مالکیت کتابها به تعداد زیاد نباید تنها خواسته دانشجو در تحصیل باشد... کتابهایی را که می‌توانید بخرید با رونویسی آنها خود را زحمت ندهید. صرف وقت در مطالعه کتابها به مراتب مهم‌تر از رونویسی آنهاست به امانت گرفتن کتابهایی که می‌توانید بخرید یا اجاره کنید راضی نباشید... اگر اشکالی برای امانت گیرنده یا امانت دهنده وجود نداشته باشد امانت کتاب به دیگران توصیه می‌شود. بعضی از افراد از امانت گرفتن پرهیز می‌کنند ولی نگرش دیگری که صحیح و مرجح است بیانگر آن است که از آنجایی که امانت چیزی به دیگری فی‌نفسه عملی شایسته و قابل‌تقدیر است در مورد کتابها علاوه بر این اهمیت، به پیشبرد دانش نیز کمک می‌کند.

امانت کتاب در سرتاسر جهان اسلام متداول شد و تقریباً در هر شهر بزرگی کتابخانه‌ای ساخته می‌شد. به عنوان نمونه‌های اولیه می‌توان از کتابخانه‌های باشکوه خلفا نام برد. تقریباً هر سلسله‌ای — از خلفای بنی‌امیه و عباسی گرفته تا امویان اسپانیا، فاطمیان مصر، حمدانیان حلب، آل‌بویه در فارس، سامانیان در بخارا، حکام عزنوی و مغولان هند در مرکز حکومت خود — کتابخانه‌های بزرگی تأسیس کردند.

اداره کتابخانه‌ها

طبق نظر جرج مقدسی^۴ شش واژه جهت توصیف کتابخانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت که سه واژه بیت، خزانه، دار دلالت بر مکان داشت و سه واژه حکمت، علم، کتب گویای محتوی بود. از ترکیب این کلمات و مفاهیم هفت واژه برای کتابخانه بدست می‌آید: بیت‌الحکمه، خزانه‌الحکمه، دارالحکمه، دارالعلم، دارالکتب، خزانه‌الکتب و بیت‌الکتب. دو واژه بیت‌العلم و خزانه‌العلم را نیز می‌توان بدین واژه‌ها افزود. تمام ترکیبات ممکن از این واژه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت و اغلب این واژه‌ها قابل جابجایی و تبدیل به یکدیگر بودند.

بی‌شک بیت‌الحکمه مشهورترین کتابخانه اسلامی بود و مشتمل بر مؤسسه‌ای تحقیقاتی، کتابخانه و بخش ترجمه می‌شد که در سال ۸۳۰ میلادی/ ۲۱۳ قمری توسط هارون‌الرشید خلیفه عباسی در بغداد تأسیس شد. از بسیاری کتابهای ترجمه شده از زبانهای غیرعربی مانند یونانی و سانسکریت که زینت بخش این کتابخانه بودند در کتاب الفهرست ابن‌الدیم و کتاب کشف‌الظنون حاجی خلیفه یاد شده است. در منابع آمده است که مامون‌الرشید پسر هارون محققانی چون کندی — اولین فیلسوف مسلمان — را استخدام می‌کرده تا آثار ارسطو را به عربی ترجمه نماید. کندی خود قریب ۳۰۰ کتاب از موضوعات پزشکی گرفته تا فلسفه و موسیقی تألیف کرده بود که در



وجهی از پیچیدگی رسید. در ابتدا جلدها پرداخته نمی‌شد: کتابها با چرمی زبر آغشته به چسب، صحافی می‌شد و جلد سفت و خشک می‌ماند ولی کشفی که در کوفه صورت گرفت به روش مفیدتری در ترین چرم انجامید. این روش با استفاده از پوست درخت خرما و چرم پرداخته شده نرمتر و لطیف‌تر صورت می‌گرفت. در همان زمان مهارتها و فنون تزئین جلدها و تذهیب کتب نیز توسعه یافت. مجموعاً نتیجه این فعالیتها کتابی می‌شد که نه تنها خیره کننده بود بلکه یک اثر هنری واقعی به شمار می‌آمد. حتی بر روی حاشیه و عطف قدیمی‌ترین کتابهای عربی موجود، طرحهای جالبی چاپ شده است که گرچه ساده هستند اما ظرافت و زیبایی خاص خود را دارند. کتابهایی که در دوره‌های بعد تدوین می‌شد به مدد آمیزش رنگها دارای تزیینات عالی و تذهیبات زیبا می‌گشتند.

از این رو با گذشت بیش از یکصد سال از ظهور اسلام، صنعت کتاب به قدری پیشرفت کرد که مسلمانان به معنای واقعی کلمه کتاب‌دوست و اهل مطالعه شدند. البته نه فقط خواندن کتاب مقدس (قرآن کریم)، بلکه مطالعه یکی از مشغولیات مهم و سرگرمیهای آنها شد. از این رو پیوستگی بین مطالعه و قرآن حائز اهمیت است، قرآن کریم تأکید دارد که اندیشه دانش طلبی نوعی عبادت است و در حقیقت علم و عبادت دو روی یک سکه هستند.

در طول دو سده بعد، صنعت کتاب به گونه‌ای بس شگفت‌انگیز به هرگوشه از جهان اسلام گسترش یافت. کتابخانه‌های سلطنتی، عمومی، تخصصی، شخصی؛ کتابفروشیهای کوچک، بزرگ، در مجاورت مساجد، در مرکز شهرها، به صورت مجتمع در بخش‌های ویژه بازار و کتابدوستان اعم از مؤلفان، مترجمان، نساخان، مذهبیان، کتابداران، کتابفروشان، گردآورندگان کتب همه و همه جنبه‌های تمدن اسلامی بودند که سیر تحول کتاب را موجب شدند.

ابن‌حسّم در سال ۶۷۳ هجری/ ۱۲۷۳ میلادی در کتابش تحت عنوان «کتابها: ابزار محققان» می‌نویسد:

بیت الحکمه نگهداری می‌شد. مأمون سخاوتمندانه مترجمان را پاداش می‌داد. به عنوان تشویق، کتب ترجمه شده آنها را مهر و امضاء می‌کرد. او هم چنین بسیاری از مأمورانش را به نقاط دوردست چون هند، سوریه و مصر می‌فرستاد تا کتابهای کمیاب و بی‌نظیر را جمع‌آوری کنند. حنین ابن اسحاق پزشک معروف در جستجوی کتاب البرهان تا فلسطین سفر کرد. کارکنان بیت الحکمه از محققان مشهور مسلمان و غیرمسلمان بودند. افرادی چون: قسط بن لوقا، یحیی بن عدی و دویان پزشک هندی. موسی خوارزمی ریاضیدان برجسته مسلمان و بنیانگذار جبر، نیز در بیت الحکمه کار می‌کرد و اثر مشهور خود کتاب الجبر والمقابله را در آنجا تألیف کرد. حیات بیت الحکمه به عنوان کتابخانه جهان اسلام تا قرن دوازدهم میلادی / ششم ق ادامه یافت. تأسیس دومین کتابخانه که از نظر کیفیت مجموعه با بیت الحکمه برابری می‌کرد بیت الحکمه را تحت الشعاع خود قرار داد.

این کتابخانه در سال ۴۵۸ هجری / ۱۰۶۵ میلادی توسط نظام الملک وزیر اعظم دربار ملکشاه سلجوقی در مدرسه نظامیه تأسیس شد. مجموعه کتابخانه نظامیه عمدتاً از طریق اهداء گردآوری شده بود. برای نمونه ابن اثیر مورخ می‌گوید که محب الدین ابن النجار بغدادی دو مجموعه شخصی بزرگ خود را وقف این کتابخانه کرد. همین‌طور خلیفه نصیر هزاران کتاب از مجموعه سلطنتی خود را به این کتابخانه اهداء کرد. در میان مشهورترین بازدیدکنندگان این کتابخانه می‌توان نظام الملک طوسی (متوفی ۱۰۹۲ میلادی / ۴۸۵ قمری) را که کتابش در زمینه حقوق بین الملل تحت عنوان سیرالملوک همچنان به عنوان یک اثر کلاسیک باقی است، نام برد. طوسی در طی مسافرت‌هایش به بغداد مدت زیادی را در نظامیه به سر می‌برد. نظامیه کتابداران رسمی استخدام می‌کرد و به آنها حقوق قابل توجهی می‌پرداخت. از کتابداران مشهور نظامیه می‌توان از ابوزکریای تبریزی و یعقوب بن سلیمان عسکری نام برد. در سال ۵۱۰ هجری / ۱۱۱۶ میلادی کتابخانه نظامیه پس از آتش‌سوزی بزرگی سالم ماند و به دستور خلیفه الناصر بنای جدیدی برای آن ساخته شد.

علاوه بر این کتابخانه، خلیفه المستنصر بالله کتابخانه‌ای استثنایی در مدرسه باشکوهی که او در سال ۶۲۵ هجری / ۱۲۲۷ میلادی بنا نهاده بود تأسیس کرد. خرابه‌های مدرسه مستنصریه که بیمارستانی در جنب آن وجود داشت هنوز بر سواحل دجله باقی است. کتابخانه به مدرسه و بیمارستان خدمات ارائه می‌کرد. ابن بطوطه سیاح معروف توصیف روشنی از مستنصریه و کتابخانه آن ارائه داده است. تنها حدود ۱۵۰ بار شتر کتابهای کمیاب از موجودیهای سلطنتی به این کتابخانه اهداء شد. بدین ترتیب کتابخانه مستنصریه مجموعه‌ای ۸۰,۰۰۰ جلدی فراهم آورد.

اما بغداد تنها جایی نبود که کتابخانه‌هایی با این عظمت داشت. تقریباً تمام شهرهای بزرگ در جهان اسلام کتابخانه‌های باارزشی داشتند که آنها را بیت الحکمه یا دارالعلم می‌نامیدند. برای نمونه می‌توان از خزائن القصو، کتابخانه باشکوهی در قاهره که توسط عزیزبن المعز خلیفه فاطمی تأسیس شد نام برد. بیش از ۱/۶ میلیون جلد کتاب در داخل حدود چهل اتاق نگهداری می‌شد و دارای نظام فهرست‌نویسی پیشرفته‌ای بود. در قاهره نیز بیت الحکمه‌ای وجود داشت که توسط الحکیم ششمین خلیفه فاطمی در سال ۳۹۶ هجری / ۱۰۰۵ میلادی تأسیس شد. این کتابخانه دارای مجموعه‌ای عظیم بود که مجموعه شخصی خلیفه را نیز شامل می‌شد و بر روی عموم باز بود. همچنین لوازم التحریر رایگان برای همه موجود بود و برای کسانی که در آنجا به مطالعه می‌پرداختند محل سکونت، غذا، و نیز نواجیبی در نظر گرفته می‌شد. اما خلفا تنها بنیانگذاران کتابخانه‌ها نبودند حکام محلی نیز به تأسیس کتابخانه‌ها همت می‌گماشتند. برای نمونه می‌توان از کتابخانه نوح بن منصور سلطان بخارا که توسط ابن سینا فیلسوف و پزشک بزرگ توصیف شده، یاد کرد:

با تقاضا و کسب اجازه از نوح بن منصور به بازدید از کتابخانه رقم. اتاقهای متعددی را یافتیم که مملو از صندوقچه‌های پر از کتاب بود. یک اتاق شامل آثار شعری و زیانسناسی، اتاق دیگر حقوق و فقه و الی آخر. کتابهای هر رشته‌خاصی از علوم در اتاقی مجزا نگهداری می‌شد. سپس فهرست مؤلفان قدیمی را مرور کردم و تمامی آنچه نیاز داشتم در آنجا یافتیم. کتابهای متعددی را دیدم که تنها عنوان آنها برای اکثر افراد ناشناخته بود و هم چنین کتابهای دیگر که هرگز تا آن زمان و حتی بعد از آن ندیدم.

وقتی که نوح بن منصور وزارت سمرقند را به صاحب بن عباد دانشمند پیشنهاد کرد، او از قبول وزارت خودداری کرد و گفت برای حمل کتابهایش به سمرقند به ۴۰۰ شتر نیاز دارد. سلطان که متوجه مشکل شد عذر او را پذیرفت. اکثر حاکمان منطقه‌ای آن دوره همچون نوح بن منصور کتابدوستانی بزرگ بودند. برای نمونه می‌توان از کتابخانه عضدالدوله که کارکنان فراوانی داشت نام برد. این کتابخانه، مقدسی جغرافی دان معروف را تحت تأثیر قرار داد و او نیز توصیفی جامع از آن کتابخانه به جای گذاشته است. حیات این کتابخانه تا زمان الحریری (متوفی ۵۱۶ هجری / ۱۱۲۲ میلادی) دوام یافت.

از آنجائیکه کتابخانه‌های مراکز حکومتی به عنوان امانت‌های الهی مورد توجه بودند، به طور کامل در دسترس عموم قرار داشتند و حقیقتاً کتابخانه‌های عمومی بودند. این کتابخانه‌ها بر روی مردم طبقات مختلف با علایق متفاوت باز بود و مردم اجازه مطالعه داشتند و آزادانه می‌توانستند از آثار خطی مورد علاقه خود نسخه بردارند. به علاوه، این کتابخانه‌ها فقط مخزن کتاب نبودند بلکه کتابخانه‌هایی



علم، نه تنها آنها را به ارائه هزاران تعریف از علم بلکه به تقسیمات و طبقه‌بندیهای متعدد آن رهنمون شد. مشهورترین این رده‌بندیها توسط کندی (۱۸۵-۳۶۳ هجری / ۸۰۱-۹۷۳ میلادی) که خود کتابدار بود، فارابی (متوفی ۳۳۹ هجری)، ابن سینا (۳۷۰-۴۲۹ هجری)، غزالی (۴۵۰-۵۰۵ هجری)، رازی (۲۵۰-۳۱۳ هجری)، و ابن‌خلدون (۷۳۳-۸۰۶ قمری) ابداع شد. کتابداران این کتابخانه‌ها از معیارهای استثنایی و بالایی فراخور این چنین مؤسسات برخوردار بودند. الفهرست ابن‌الندیم از سه نفر که به عنوان کتابدار در یک دوره یا دوره‌های متفاوت در بیت‌الحکمه خدمت می‌کردند یاد می‌کند. همه آنها مؤلفانی بنام بودند و آثار یونانی و فارسی را ترجمه می‌کردند. کتابخانه‌ای در نیشابور توسط المرتضی اداره می‌شد او فردی عالم بود و نقش بسزایی در محافل علمی داشت. دارالعلم قاهره را عبدالعزیز - که به مهارت در فقه شهرت داشت - اداره می‌کرد. حرفة کتابداری وجهه‌ای عالی و نیز حقوق نسبتاً خوبی داشت. ابن‌ندیم در سراسر الفهرست نشانه‌های بارز ابراز حسادت دیگران را نسبت به کتابداران «بیت‌الحکمه» به خاطر پایگاه رفیع آنها در جامعه و نیز مراتب علم‌شان بیان می‌دارد. به غیر از کتابخانه‌های مراکز حکومتی، کتابخانه‌های عمومی متعددی وجود داشت. در شهری چون مرو، یاقوت سیاح و جغرافی‌دان دوازده کتابخانه یافت. او در طی سه سال اقامتش در آن شهر، قسمت اعظم مطالبی را که برای واژه‌نامه جغرافیایی خود نیاز داشت جمع‌آوری کرد. در آن دوره به امانت کتاب توجه زیادی نشان داده می‌شد به طوری که یاقوت یک بار دوست کتاب را نزد خود به امانت داشت. بغداد، دمشق، قاهره، قرطبه، فاس، اصفهان، لاهور، دهلی، سمرقند و شهرهای بزرگ و کوچک دیگر دارای چندین کتابخانه عمومی بودند. اکثر این کتابخانه‌ها اعانات دولتی دریافت می‌داشتند؛ برخی از آنها وقفهایی را از کسانی که خواهان پیشبرد دانش بودند دریافت می‌کردند. مقدسی جغرافی‌دان می‌گوید در طی قرن چهارم هجری / دهم میلادی بازدیدکنندگان کتابخانه‌های مراکز حکومتی بصره و رامهرمز برای انجام کارهایشان کمکهای مالی دریافت می‌داشتند. علاوه بر این، کتابخانه بصره استادی دائم داشت که هر کس می‌توانست زیر نظر او، به مطالعه و تحصیل افکار و عقاید معتزله بپردازد.

گذشته از کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های اختصاصی نیز جهت توسعه و تکامل حوزه‌های مختلف ادبیات و علوم تأسیس شد. پس از این دوره است که ما با مجموعه‌های کتب پزشکی بیمارستانها، آثار ریاضی، نجوم و ستاره‌شناسی رصدخانه‌ها، نوشته‌های دینی و حقوقی مساجد و انجمن‌های خیریه و مجموعه‌های غنی و متنوع بسیاری از مدارس بزرگ روبه‌رو می‌شویم. بدینسان، تقریباً هر نهاد اجتماعی، فرهنگی و علمی دارای کتابخانه‌ای غنی

کاملاً فعال بودند و علاوه بر اینکه کانونهایی جهت برنامه‌های تحقیقاتی متمرکز بشمار می‌آمدند، مراکزی برای بحث، سخنرانی، مناظره و دیگر فعالیتهای فکری عمومی بودند. بسیاری از این آثار خطی در کتاب معروف کتابدوست قرن دهم ابن‌ندیم که از بیت‌الحکمه نسخه‌برداری شده، گرد آمده است - کتابی که بسیاری از شرق‌شناسان را متحیر کرده و معتقدند که الفهرست ابن‌الندیم که به بیش از ۶۰,۰۰۰ کتاب استناد کرده، عملاً فهرستی از «بیت‌الحکمه» است.

به منظور ایجاد امکان دسترسی آسان عموم به کتابها و برخورداری از امکانات مناسب جهت مطالعه و نسخه‌برداری از آثار خطی، اهمیت فراوانی به طرح، نقشه و معماری کتابخانه‌ها داده می‌شد. اکثر این کتابخانه‌ها مانند کتابخانه‌های شیراز، قاهره، قرطبه در ساختمانهای طراحی شده ویژه‌ای قرار داشتند که دارای اتاقهای متعددی جهت انجام امور مختلف بود. برای نمونه سالنها با قفسه‌هایی که در آنها کتاب نگهداری می‌شد، اتاقهایی که بازدیدکنندگان می‌توانستند در آنجا بنشینند و به مطالعه بپردازند و اتاقهایی که برای سخنرانیها و مناظرات عمومی و در بعضی موارد اتاقهایی جهت سرگرمی‌های موسیقی - تمامی اتاقها با فرش و حصیرهای متعددی پوشیده شده بود که خواننده به راحتی می‌توانست بر روی آنها بنشیند. پرده‌های ضخیم دمای اتاقها را در سطحی مطلوب نگه می‌داشت و فضایی مطبوع را به وجود می‌آورد. توصیف یاقوت مورخ از کتابخانه عضدالدوله شیراز نمای کلی طرحهای این نهادها را مشخص می‌سازد:

کتابخانه شامل اتاق گنبدی شکل بزرگی بود که اتاقهای متعددی در اطراف آن وجود داشت. سلطان در موازات اتاق بزرگ اتاقهای متعددی ساخته بود که ارتفاع چارچوب آنها به اندازه قامت انسان و عرض آن ۲/۷۰ سانتیمتر بود و با چوب تزیین شده قفسه‌هایی از بالا به پایین ساخته شده بود، کتابها در قفسه‌ها مرتب می‌شوند و برای هر رشته از علوم چوب‌بستهای مجزایی وجود داشت. همچنین فهرستهایی داشت که عناوین تمامی کتب موجود در آن وارد شده بود.

کتابخانه‌های بزرگتر همچون بیت‌الحکمه بغداد اتاقهای مجزایی برای نساخان و صحافان و کتابداران داشتند. س.م. امام‌الدین در بررسی جامع خود تحت عنوان «برخی از کتابخانه‌های بزرگ اسلامی جهان» خاطرنشان می‌سازد که کتابخانه‌های مشهور اسلامی به گونه‌ای طراحی شده بودند که کل کتابخانه از نقطه‌ای مرکزی قابل رؤیت بود و استفاده‌کنندگان نیز آزادانه به کتابها دسترسی داشتند.

کتابهای این کتابخانه‌ها صرفاً برطبق موضوع مرتب نمی‌شدند بلکه به طور کامل رده‌بندی می‌شدند. با توسعه کتاب و کتابخانه‌ها و نیز همپای آن گسترش علوم، طرحهای رده‌بندی متعددی پا به عرصه وجود گذاشت. در واقع شیفتگی واقعی محققان اسلامی به مفهوم



بود.

علاوه بر کتابخانه‌های مراکز حکومتی، کتابخانه‌های عمومی و اختصاصی بی‌اغراق می‌توان گفت هزاران مجموعه شخصی وجود داشت. در دوره حکومت عباسیان، مجموعه شخصی یحیی بن خالد برمکی در بغداد بعنوان غنی‌ترین مجموعه شخصی شناخته شد. از هر کتاب سه نسخه در این کتابخانه وجود داشت و نیز اکثر کتابهای کمیاب بیت‌الحکمه را شامل می‌شد. در طول قرن پنجم هجری/ یازدهم میلادی کتابخانه محمودالدوله ابن فاتق گردآورنده و نویسنده بزرگ شهرت یافت. زیرا او تمام عمرش را صرف خواندن و نوشتن در کتابخانه خود کرد. خانواده‌اش آنچنان از سوی او احساس بی‌توجهی می‌کردند که وقتی ابن‌فاتق از دنیا رفت آنها از روی عصبانیت اقدام به دور ریختن کتابهای او کردند. برای حمل کتابهای واقفی دانشمند برجسته قرن سوم هجری/ نهم میلادی از بغداد به آن سوی دجله ۱۲۰ شتر و ۶۰۰ صندوقچه لازم بود. گردآورندگان کتب به تأسیس کتابخانه و دعوت محققان جهت استفاده از آن افتخار می‌کردند؛ در واقع این امر رسم مهم و متداول آن دوره بود. مگاری مورخ، داستانی از حضرمی نقل می‌کند که می‌گوید:

یک‌بار برای مدتی در قرطبه اقامت داشتیم. هر روز در بازار کتاب حضور پیدا می‌کردم به امید اینکه اثری خاص را که مشتاق یافتن آن بودم ببینم. مدتها بود که این کار را انجام می‌دادم، تا اینکه روزی برحسب اتفاق چیزی را که به دنبالش بودم یافتم. نسخه‌ای زیبا که با ظرافت طبع و حسن سلیقه نوشته شده و دارای تفسیری جالب بود. بی‌درنگ در مزایده آن شرکت کردم و افزایش قیمت مزایده را ادامه دادم، اگرچه قیمت بسیار بالاتر از ارزش کتاب بود ولی از بخت بد من فروشنده از سوی شرکت کنندگان در مزایده دائماً قیمتی بالاتر را پیشنهاد می‌کرد. متعجب از این وضعیت به سوی فروشنده رفتم و از او خواستم شخصی را که برای کتاب قیمت بسیار بالاتری از من پیشنهاد کرده نشان دهد وقتی که او مردی صاحب‌مقام را به من نشان داد، در حین نزدیک شدن به او گفتم: ای دانشمند خداوند ترا مراتب عالی عنایت کند. اگر خواهان این کتاب هستی من از آن چشم می‌پوشم چون در حین پیشنهادات ما، قیمت کتاب از ارزش واقعی آن بالاتر رفته است. او جواب داد: مضامین این کتابها را نه می‌دانم و نه تشخیص می‌دهم که چیست. ولی کتابخانه‌ای تأسیس کرده‌ام و قصد دارم آن را — هرچقدر هم هزینه بردارد — تبدیل به یکی از باارزترین چیزهای شهر خود کنم. در کتابخانه‌ام جایی خالی وجود دارد که این کتاب می‌تواند آن را پر کند. چون این کتاب با ظرافت نوشته شده و با حسن سلیقه صحافی شده است، از آن لذت می‌برم و برابم اهمیت ندارد که چقدر می‌ارزد چون خداوند ثروت زیادی به من ارزانی داشته است.

بسیاری از صاحبان مجموعه‌های شخصی به محققان بازدیدکننده کمکهای مالی می‌کردند و بسیاری از کتابخانه‌ها توسط صاحبان آنان وقف می‌شد. علی‌ابن‌یحیی منجم شخصاً پذیرای

بازدیدکنندگانی بود که برای مطالعه به کتابخانه‌اش — که آن را خزانه‌الحکمه می‌نامید — می‌آمدند. و برای آنها غذا و محل سکونت فراهم می‌کرد. برطبق گفته مقدسی «در دارالعلم جعفر بن محمد موصلی کتابها برای جویندگان علم وقف شده بودند. در دسترسی به کتابخانه برای هیچکس ممانعتی وجود نداشت و اگر غریبه‌ای در جستجوی علم و دانش به آنجا می‌آمد و از لحاظ مالی در مضیقه قرار می‌گرفت، موصلی به او پول و کاغذ می‌داد. در آنجا کتابها بدون استثناء برای استفاده جویندگان علم وقف شده بود و جویندگان از لحاظ مالی بر اساس شیوه فردی خاص مساعدت می‌شدند.» این چنین دل بستگی به کتابها و کتابخانه‌ها بود که مسلمانان به گفته خانم روت استلهورن مکنسن «توانستند به پیشبرد کتابخانه به عنوان نهادی با گستره بی‌سابقه اقدام کنند و تاکنون کتابخانه‌ای به عظمت کتابخانه‌های سرزمین‌های اسلامی که به دقت نگهداری می‌شد و به طور گسترده مورد حمایت قرار می‌گرفت وجود نداشته است.»

تجارت و بازارهای کتاب

چنان شگفت‌انگیز نمی‌نماید که این چنین علاقه شدید به کتابها، منجر به تجارت پیشرفته کتاب شود. کشورها این تجارت را تقویت می‌کردند. کتابها نیز چون جواهرات زینتی عروسان، سلاحها و اسبهایی که در جنگها مورد استفاده قرار می‌گرفت، در سرتاسر جهان اسلام از مالیات معاف بودند. در نتیجه داد و ستد کتاب با کالاهای اساسی در کشورها روبه‌فزونی گذارد. کارگزاران حکام، گردآورندگان شخصی، کتابفروشان و هم‌چنین محققان در جستجوی نسخ خطی با ارزش به کشورهای مختلف و سرزمینهای غیرمسلمان سفر می‌کردند. تقریباً در مجاورت هر مسجد، غرفه کتابفروشی کوچکی وجود داشت. در این زمینه خدابخش معتقد است که کتابفروشیهای عصر طلایی اسلام کوچک بوده ولی این مطلب نمی‌تواند صحیح باشد. زیرا تنها کتابفروشی ابن‌ندیم که کتب موجود در فهرست مفصل او الفهرست را دربر داشت چندین برابر بزرگتر از کتابفروشی فویل لندن^۵ که بعنوان بزرگترین کتابفروشی در جهان توصیف می‌شد بوده است. بنابراین هنگامیکه یعقوبی مورخ می‌گوید متجاوز از یکصد کتابفروشی تنها در بغداد در زمان او وجود داشته، او از کتابفروشیها با اندازه‌های مختلف سخن می‌گوید. تقریباً در تمام شهرهای مسلمان دوره اولیه ظهور اسلام، بخشهایی در بازار مرکزی وجود داشت که به تاجران کتاب اختصاص داشت و به سوق الوراقان معروف بود. در این میان بازارهای کتاب بغداد، قاهره، قرطبه، اشبیلیه و سمرقند بسیار معروف بودند. در این دوره علاوه بر کتابفروشیها، نهادهای دیگری نظیر اجاره وجود داشت که کمتر مورد توجه مورخان اسلامی قرار گرفته است. اجاره به عنوان



اگر با مشکلات جدی روبه‌رو باشد - مؤثر خواهد بود. مفاهیم جاودانه اسلام راهگشای دنیای موجود حقیقی هستند نه جامعه خیالی.

در دوران اولیه ظهور اسلام، در جامعه‌ای که با مشکلات جدی چون فرقه‌گرایی - که فرق متعدد دائم با یکدیگر در جنگ بودند و کتابخانه‌های بسیاری عملاً به منظور ترویج عقاید خاص فرقه‌ای تأسیس می‌شد - و نیز انشعابهای سیاسی و تفرقه روبه‌رو بود، مفاهیم اسلامی دانش‌گستر و وقف تبلور یافت. اما علی‌رغم این کشمکشها، چارچوب عقیدتی اسلام، آن‌چنان زیرساخت اطلاعاتی را پایه‌گذاری کرد که تمدن اسلام را به نقطه اوج سوق داد.

امت کنونی اسلام با مسائلی دشوارتر از مشکلات مسلمانان صدر اسلام روبه‌روست، مسائلی چون استعمار، تشعب فکری، عقیده به چاره‌ناپذیری مشکلات و وجود مصائب اقتصادی - اجتماعی فرهنگی. در این چنین شرایطی جریان عینیت بخشیدن مفاهیم جاودانه اسلام بیش از پیش ضروری می‌نماید. در واقع برقراری مفاهیم اسلامی بود که مسلمانان صدر اسلام را از نزاعها و جهالتها نجات داد. از آنجایی که این مفاهیم عقیدتی اعتبار جاودانه و جهانی یافته است، تنها در نتیجه تحقق یافتن این مفاهیم است که امت امروز اسلام قادر است از مشکلات و مصائب آشکاری که پیش رو دارد رهایی یابد. و تنها با نشأت گرفتن مستمر سیاست اطلاع‌رسانی کشورهای اسلامی از چارچوب عقیدتی اسلام است که قادرند به ایجاد خلاقیت و توانایی فکری جهت حل مشکلات امت کنونی اسلام اقدام نمایند. بدین ترتیب اتخاذ سیاستهایی بر مبنای مفاهیمی چون توحید، عدل، علم، خلافت، امت، حکمت، وقف و استصلاح [نفع عموم]، که نیازهای اطلاعاتی عصر حاضر را برآورده می‌سازد و زمینه به‌کارگیری تکنولوژی اطلاعاتی نوین را - که متکی بر کامپیوترها و ماهواره‌هاست و موجود پیشبرد سلامت و هماهنگی اجتماعی است - فراهم می‌آورد، زمینه‌ساز تکامل میراث اسلامی است.

اصطلاح حقوقی بر اعطای اجازه جهت استفاده از چیزی که متعلق به دیگری است دلالت دارد. در عرف کتابفروشیها، اشاره به کتابی بود که نه فقط برای مطالعه بلکه به منظور نسخه‌برداری مجاز، اجازه داده می‌شد. نهادهای اجازه تا پایان قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی به صورت جلوه‌های عمومی در مراکز شهری مسلمانان درآمدند. این نهادها صرفاً کتابخانه‌های امانی تجاری نبودند، بلکه به عنوان مراکزی جهت توزیع کتاب انجام وظیفه می‌کردند. اسحاق ابن نصیر العبّادی زمانی که جوان و مستمند بود هر روز بعد از ظهر به کتابفروشی خاصی در بغداد می‌رفت و کتابی را جهت نسخه‌برداری به امانت می‌گرفت. هرگاه کتابفروش از او می‌خواست که مبلغ اجازه را بپردازد، اسحاق به او می‌گفت: صبور باش تا شغلی پرمفعت به دست آورم. ما نمی‌دانیم که آیا اسحاق به مالک اجازه را پرداخت یا نه اما او پس از گذشت چند سال صاحب کتابخانه‌ای برجسته شد. با وجود کتابخانه‌های سلطنتی باشکوه، کتابخانه‌های متعدد عمومی و نیمه‌عمومی وقف شده عظیم، نهادهای اجازه و تجارت پیشرفته کتاب، نیازها و خواسته‌های محققان مسلمان برطرف نمی‌شد. بیرونی مدت چهل سال در جستجوی نسخه‌ای از کتاب سفرالاسرار مانی بود. این رشد قصد داشت برای حل برخی از مسائل فلسفی، برخی از آثار معتزله را مورد بررسی قرار دهد ولی موفق نشد. برطبق روایتی از توحیدی، ابوبکر الاحصید در جستجوی نسخه‌ای از کتاب فرق بین النبی والتمنی جاحظ بود ولی با وجود سالها جستجو موفق به یافتن آن نشد. پس برای زیارت عازم مکه شد. در طی اقامتش در مکه یک جارچی اجیر کرد تا در عرفات برای نسخه‌ای از آن کتاب جار بزنند. اگرچه اجتماع مذهبی عرفات بزرگترین گردهمایی مسلمانان سراسر جهان بود اما ابوبکر موفق به یافتن کتاب مورد نظرش نشد.

تحلیل مختصر ما از تاریخ کتابداری اسلامی و تجارت کتاب نشان می‌دهد که چگونه زیرساخت اشاعه اطلاعات به طور طبیعی در تمدن اسلامی دوران اولیه ظهور آن تکامل یافت. با نگاهی اجمالی به این جریان می‌توان گفت بسیار شگفت‌انگیز می‌نماید که در کمتر از یک صدسال پس از هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه، کتاب جایگاه خود را به عنوان ابزاری اساسی و سهل الوصول جهت اشاعه دانش و اطلاعات تثبیت کرد. با این وجود، هنگامیکه موضوع از دیدگاه مفاهیمی چون علم، وقف، و عبادت - که مسلمانان صدر اسلام آنها را با تمامی سطوح زندگی خود عجین کرده بودند - مورد بررسی قرار می‌گیرد، گسترش فوق‌العاده کتاب و کتابداران در صدر اسلام آن‌چنان شگفت‌انگیز نمی‌نماید. در واقع زمانی که چارچوب عقیدتی اسلام در تمامی شئون جامعه نمود یابد، این فرایند در تشکیل زیرساختی جهت اشاعه اطلاعات در هر جامعه‌ای - حتی

1. Ziauddin Sardar, «Going forward to the Islamic heritage: past and present». *information and the muslim world* (London: Mansell, 1988), pp. 21-33.

۲. تطبیق تاریخهای میلادی با تاریخهای هجری قمری از کتاب زیر صورت گرفته است: احمد بیرشک، *گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله* (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷). - مترجم.

3. Ruth Stellhorn Mackenson

4. George Makdisi

5. Foyles of London